

Post-Corona, the Decline of the US Hegemony and the Rise of Regional Worlds

Mustafa Bayat

PhD in Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

bayat14@gmail.com

Kianoosh Kiakojori

PhD in Political Science, Tehran University of Science and Research, Tehran, Iran.

Kianoush.kia51@gmail.com

Morteza Bayat

PhD in Political Science, Allameh Tabatabai University Tehran, Iran.

M.bayat72@gmail.com

Yaser Barkhordari

Corresponding Author, PhD in Political Science, Allameh Tabatabai University Tehran,

Iran. yb1359@yahoo.com

Abstract

The most important feature of the second decade of the 21st century is the gradual decline of the relative power of the United States. Most of the factors that have led to America's global power are changing and moving in the direction that has led to the decline of American hegemony. Regional governance is therefore necessary to manage the instability caused by the decline of American hegemony and the need to face global complexities. This governance is based on regional institutions, norms and organizations that replace global institutions. The research method in this article is descriptive-analytical. The main question of the present study is what are the symptoms of the decline of American hegemony and What is the alternative to American hegemony in the post-Corona? The main hypothesis is that the decline of US hegemony has been revealed in three areas: political, economic and military, and with the decline of US hegemony, regional worlds, including Iran, will be a good alternative. The main purpose of this article is to examine the decline of American hegemony in post-Corona and its alternative. The components of US

hegemony, which are defined in three areas: political, economic and military, all three of which are severely affected by the outbreak of the Corona virus (apart from other factors such as China's economic growth, weakening of the values of the international liberal order). It will be the decline of American hegemony and the rise of regional worlds. In this research, a single theory is not followed, but various theories will be proposed and analyzed in line with the purpose of the article.

Keywords: *post-Corona, United States, Iran, Declining Hegemony, Regional Worlds*

پسا کرونا، افول هژمونی آمریکا و ظهور جهان منطقه‌ای ایران

مصطفی بیات

دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران bayat14@gmail.com

کیانوش کیاکجوری

دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

Kianoush.kia51@gmail.com

مرتضی بیات

دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران M.bayat72@gmail.com

یاسر برخوردار

نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

yb1359@yahoo.com

چکیده

مهم‌ترین مشخصه دهه دوم قرن بیست و یکم کاهش تدریجی قدرت نسبی ایالات متحده است. بیشتر عوامل قدرت جهانی آمریکا در حال دگرگونی هستند و به سوی می‌روند که افول هژمونی آمریکا را فراهم کنند. از این‌رو برای مدیریت بی‌ثباتی ناشی از افول هژمونی آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های جهانی، ایجاد حاکمیت منطقه‌ای ضرورت می‌یابد. این حاکمیت بر پایه نهادها، هنجارها و سازمان‌های منطقه‌ای است که جایگزین نهادها و مؤسسات جهانی می‌شوند. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و پرسش اصلی این بوده است که «نشانه‌های افول هژمونی آمریکا کدام‌اند و بدیل هژمونی آمریکا در پسا کرونا چیست؟» با این فرضیه اصلی که علائم افول هژمونی آمریکا در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و نظامی آشکار شده است و با این اتفاق، جهان‌های منطقه‌ای از جمله ایران، بدیل مناسبی برای آن خواهند بود. هدف اصلی این مقاله، بررسی افول هژمونی آمریکا در پسا کرونا و بدیل آن بوده است. مؤلفه‌های تعریف‌شده هژمونی آمریکا در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و نظامی، از شیوع بیماری کرونا (جدا از عوامل دیگر مانند رشد اقتصادی چین، تضعیف ارزش‌های نظم لیبرالی بین‌المللی) به شدت متأثر شده‌اند و دنیای

پسا کرونا شاهد افول هژمونی آمریکا و ظهور جهان‌های منطقه‌ای خواهد بود. در این پژوهش در راستای هدف مقاله از یک نظریه واحد پیروی نشده و نظریات گوناگون و مباحث مربوط به موضوع، مطرح و تحلیل گشته است.

واژه‌های کلیدی: پسا کرونا، ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، افول هژمونی، جهان‌های منطقه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵۹۷-۶۲۶

مقدمه

با آغاز بحران مالی سال ۲۰۰۸، در محافل علمی و سیاسی جهان، مباحث فراوانی درباره احتمال افول ایالات متحده از رأس نظام جهانی طرح شده است. بحران اقتصادی در آمریکا و سرایت شتابان آن به پیکره اقتصاد جهانی و به دنبال آن هشت سال بی‌میلی دولت اوباما برای درگیر کردن آمریکا در مسائل و مشکلات مناطق گوناگون جهان و برعکس تلاش دولت ترامپ برای درگیری بیشتر آمریکا در جهان و دستاوردهای ناچیز، تعداد بیشتری از مردم را متقاعد کرده است که ایالات متحده احتمالاً نمی‌تواند برای مدت زیادی ابرقدرت باقی بماند. همان‌طور که سال‌ها پیش، در گزارش مشهور اقتصاددانان «گلدمن ساکس»^۱ ارائه شده بود، پیدایش قدرت‌های نوظهور اقتصادی به‌عنوان رقبای جدی آمریکا، یکی از ابعاد افول هژمونی این کشور در آینده نزدیک ارزیابی می‌شود (O'Neill & Stupnytska, 2009, p192). با این حال استدلال طرفداران افول آمریکا علاوه بر تکیه بر بُعد اقتصادی شامل دو بُعد دیگر قدرت آمریکا یعنی نفوذ آن بر رفتار سایر کشورها و همچنین قدرت نظامی آمریکا نیز می‌شود. بسیاری از تحلیلگران جهان از جمله «امانوئل والرشتاین»^۲، «نوام چامسکی»^۳، «فرید زکریا»^۴ معتقدند افول تمدن غرب و آمریکا از سال‌ها پیش آغاز شده است و آمریکا دیگر نه تنها ابرقدرت نیست، بلکه روند نزول قدرت آن در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی طی

-
1. Goldman Sachs
 2. Immanuel Wallerstein
 3. Noam Chomsky
 4. Fareed Zakaria

سال‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است. ناتوانی ملموس آمریکا در مدیریت بحران کرونا و شیوع فاجعه‌بار آن در سراسر این کشور نیز برخی تحلیلگران مثل «ریچارد هاس» (Haass, 2008)، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا را متقاعد کرده که افول قدرت آمریکا از سال‌ها قبل آغاز شده، با کرونا تسریع یافته است. بنابراین، آنچه اهمیت انجام این بررسی را مضاعف می‌سازد شناخت آثار دوران پسا کرونا بر افول هژمونی آمریکا در جهان است و به همین دلیل هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی دلایل و نشانه‌های افول هژمونی آمریکا و شناسایی بدیل یا بدیل‌های هژمونی آمریکا در پسا کرونا است. این مقاله با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است که علائم افول هژمونی آمریکا متأثر از شیوع ویروس کرونا کدام‌اند و گزینه جایگزین این هژمونی در نظام جهانی پسا کرونا چیست؟

۱. مباحث نظری

در عرصه سیاست همواره رقابت وجود دارد و همه دولت‌ها برای کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت در تلاش‌اند. این موضوع به‌ویژه در میان قدرت‌های نزدیک‌تر به موقعیت قدرت بزرگ‌تر، به‌طور جدی دنبال می‌شود. قدرت امری نسبی است و از خصلت‌های ذاتی خود ملت نیست، بلکه ویژگی و صفت خاص روابط یک ملت با سایر ملت‌ها است. به همین دلیل همه ملت‌ها برای دستیابی به قدرت بیشتر می‌کوشند و بسته به نرخ متفاوت رشد اقتصادی و پیشرفت تکنولوژیک، امکان پیشی گرفتن بر قدرت هژمون برای سایر قدرت‌های موجود در رده پایین‌تر وجود دارد. در واقع، دلیل اصلی انحطاط در مرحله بلوغ قدرت مربوط به نفس قدرت ملت در مرحله بلوغ صنعتی نیست، بلکه به نسبت قدرت آن دولت با سایر دولت‌هایی که وارد مرحله رشد قدرت شده‌اند، مربوط است و تا آنجا که این دولت‌ها در راه رشد قدرت جلو بروند تفاوت قدرتشان با سایر دولی که پیش از این صنعتی شده‌اند از میان می‌رود (ارگانسکی، ۱۳۵۵، ص ۳۲۹).

«والرشتاین» اما به‌گونه‌ای دیگر این وضعیت را مطرح می‌کند. از نگاه او، منطق افول با نگرش انتقال قدرت انجام نمی‌گیرد، بلکه به یک معنا روندی سریع

و به یک معنا روندی طولانی دارد. وقتی ناگهان احساس می‌شود که اقتدار هژمون به چالش جدی کشیده و افول هژمونی شروع شده است. به نظر می‌رسد که هژمون دچار مشکلات اقتصادی است و دیگر نمی‌تواند مانند گذشته عمل کند؛ اما حتی با شروع افول نیز هژمون تا مدت‌ها هنوز قوی‌ترین قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. دیگران نمی‌توانند به آسانی با آن مقابله کنند یا آن را نادیده بگیرند؛ بنابراین، افول روندی کند دارد و در مراحل اولیه با ابهام همراه است (Wallerstein, 1995, p 9)

از نظر «پال کندی»^۱، نرخ نابرابر رشد در جوامع دارای جهش‌های فناورانه و سازمان‌دهی اجتماعی به افزایش ظرفیت تولید و سرانجام قدرتمندی یک دولت می‌انجامد. این وضعیت، ارتش قدرتمندی می‌خواهد که به افزایش ثروت و قدرت نیز کمک می‌کند و گسترش استراتژیک کشور را به دنبال دارد؛ اما به‌مرور زمان، مخارج نظامی و تسلیحاتی برای تدارک، حفظ و نگهداری ارتش بر مزایا و منافع آن غلبه نموده، ضعف تدریجی و افول را به دنبال دارد. از نگاه او، به هیچ جامعه‌ای این موقعیت داده نشده است که همواره جلوتر از دیگران باشد، زیرا چنین وضعیتی متضمن عدم‌تغییر وضعیت میزان‌های متفاوت رشد، پیشرفت فناوری و تکامل نظامی است که از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته است (کندی، ۱۳۷۰، ص ۱۰).

«آمی‌تاو آچاریا» معتقد است تعداد کمی می‌توانند انکار کنند که آمریکا در آینده نزدیک نقش محوری خود را در امور جهان ایفا خواهد کرد؛ اما این ایده قابل پرسش است که نظم لیبرال-هژمونیک تحت رهبری آمریکا یا نظم جهانی آمریکا، حتی در شکل بازسازی‌شده، همچنان پابرجا است. پیش‌بینی او درباره ماهیت نظام جهانی آینده، برآمدن سیستمی است که او «مرکب پیچیده» یا «مولتی پلکس»^۲ نام‌گذاری کرده است. در سیستم مولتی پلکس، یک یا چند قدرت هژمونیک جدید اداره نظم جهانی را بر عهده نخواهند گرفت، بلکه مجموعه‌های متفاوتی از بازیگران دولتی و غیردولتی در قالب نهادها و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای

1. Paul Kennedy

2. Multiplex

و در توازن کلی با یکدیگر نظم جهانی را شکل خواهند داد؛ اما مسیر رسیدن به چنین نظمی هموار و بی‌دغدغه نیست و می‌تواند با دوره‌هایی از هرج و مرج همراه باشد. از دیدگاه آچاریا، برای مدیریت آشفتگی و بی‌ثباتی ناشی از افول هژمونی آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های مشکلات جهانی در سیستم مولتی پلکس، ایجاد نظامات «حاکمیت منطقه‌ای» در «جهان‌های منطقه‌ای» ضروری است (Achary, 2014, pp 8-10). وی تأکید می‌کند که بعید است نظم جهانی آینده تحت رهبری آمریکا باشد؛ رکود اقتصادی کنونی و بحران مشروعیت سبب شده است که هژمونی ایالات متحده بر جهان کاهش یابد و نظم هژمونیک لیبرال، حتی اگر آمریکا نخواهد، از حالت خود خارج خواهد شد (Achary, 2014, pp 108).

۲. پیشینه پژوهش

۱- مهدی آهویی و دیاکو حسینی (۱۳۹۵) مقاله «افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاست‌گذاری» را در نشریه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن) منتشر کرده و در آن پرداخته‌اند به اینکه با وجود توافق بسیاری از دانشمندان درباره قطعیت انتقال قدرت از غرب به شرق، همچنان اختلاف‌نظرهای بسیاری بر سر معنای این انتقال و ابعاد تأثیرگذاری آن بر صلح و امنیت جهانی حاکم در دهه‌های گذشته باقی است. آیا با کاهش قدرت تدریجی ایالات متحده که مستلزم کاستن از تعهدات امنیتی آن در مناطق جهانی است، کشمکش‌های بین‌المللی فروکش خواهد کرد یا باید در انتظار تشدید آن دسته از اختلافات بین‌المللی بود که تاکنون به دلیل نقش‌آفرینی ایالات متحده در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای مسکوت مانده‌اند؟ این مقاله در پایان نتیجه می‌گیرد که پیش از ورود به جهان چندقطبی یا مرکب، نظام جهانی، دوران‌گذاری را به سوی آشفتگی تجربه خواهد کرد و لازم است کشورهای جهان، از جمله ایران، در صدد افزایش آمادگی خود برای رویارویی با انواع تهدیدات جدید ناشی از این وضعیت برآیند که منطقه‌گرایی یکی از بهترین راهبردها در این رابطه خواهد بود.

۲- یونس خداپرست، امراله اندرزیان (۱۳۹۸) مقاله «افول هژمونی آمریکا و

چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران را در فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی انتشار داده‌اند. هدف اصلی در این نوشتار، تبیین چگونگی تقابل و افول هژمونی آمریکا در دوران چهل سالگی انقلاب اسلامی است. این مقاله ضمن تجزیه و تحلیل موضوع با استفاده از روش «تحلیل گفتمان لاکلا و موفه»، در فرضیه با مبنا قرار دادن تعارض گفتمانی انقلاب اسلامی و آمریکا تأکید کرده است بر اینکه ایالات متحده در صدد است در سطح بین‌المللی، ایران را از چالش به دشمن بین‌المللی مبدل ساخته؛ در سطح منطقه، ایران و عربستان را از دو رقیب به دشمن منطقه‌ای تبدیل سازد و در سطح داخلی، نیز جمهوری اسلامی را از محتوایش (آرمان‌ها و اهداف) تهی کند. بر اساس نتایج تحقیق، گفتمان اسلام سیاسی با هژمونیک شدن در ایران گفتمان‌های قدرت، به‌خصوص لیبرال دموکراسی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر ساخت. در این راستا گفتمان دولت آمریکا در رسیدن به اهداف خود در سطوح مختلف ناکام مانده و افول هژمونی آن اجتناب‌ناپذیر شده است.

۳- «اشلی تلیس» (۱۳۹۹) در یادداشتی با عنوان «**بحران کرونا و افول هژمونی آمریکا**» در وب‌سایت اندیشکده کارنگی نوشته است که هژمونی آمریکا برخاسته از حقایق سه‌گانه است: نخست اینکه آمریکا همچنان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است و همین اساس ظرفیت این کشور برای پیشبرد قدرت نظامی جهانی به‌طور غیرقابل مقایسه با رقیبانش است. دوم، دولت این کشور بر جامعه‌ای بسیار مولد ریاست می‌کند و سوم، آمریکا در شراکت با متحدان قوی در آمریکای شمالی، اروپای غربی، شرق آسیا و اقیانوسیه (که ارزش‌ها و منافع مشترکی دارند)، نوعی نظم بین‌المللی ایجاد کرده است که برتری آن را از نظر نظامی، نهادی و عقیده‌ای تقویت نموده و پیشبرد منافع گوناگون و بهره‌برداری اقتصادی از کاربرد زور را ممکن ساخته است. اگرچه این شالوده‌ها اخیراً تحت فشار قرار گرفته‌اند، اما اکنون همه‌گیری کووید ۱۹ آن‌ها را به طریق مهلکی تهدید می‌کند.

۴- «امانوئل والرشتاین» (۲۰۱۳) در مقاله «**پیامدهای افول آمریکا**»، اشاره کرده است که افول ایالات متحد به‌مثابه یک قدرت هژمونیک از حدود ۱۹۷۰ به آرامی آغاز شد و در دوران رئیس‌جمهوری «جورج بوش» شتاب گرفت؛ البته آن

زمان واکنش همه اردوگاه‌های سیاسی رد مسئله افول آمریکا به‌عنوان بحثی نامعقول بود. در دهه ۱۹۹۰، باز هم واکنش همه طرف‌های طیف سیاسی این بود که ایالات متحده به اوج سلطه تک‌قطبی دست یافته است؛ اما بعد از شکستن حباب ۲۰۰۸، آغاز تغییر دیدگاه صاحب‌نظران و عامه مردم بود و امروز درصد زیادی (نه همه آنها) واقعیت افول نسبی در قدرت و جایگاه و نفوذ ایالات متحد را پذیرفته‌اند؛ هر چند این پذیرش در ایالات متحده کاملاً با اکراه صورت پذیرفته است. بر طبق این مقاله، سیاستمداران و صاحب‌نظران در پیشنهاد اینکه چگونه می‌توان جلوی این افول را گرفت با هم رقابت می‌کنند؛ ولی والرشتاین اعتقاد دارد که این فرایند بازگشت‌ناپذیر است.

۵- «آمی‌تاو آچاریا» (۲۰۱۴) در کتاب «پایان نظم جهانی آمریکایی» بر این نظر است که افول هژمونی ایالات متحده به یک‌باره توسط یک نظام چندقطبی جایگزین نخواهد شد. پیش‌بینی او درباره ماهیت نظام جهانی آینده بر آمدن سیستمی است که او «مرکب پیچیده» یا «مولتی پلکس» نام‌گذاری کرده است. در سیستم مولتی پلکس یک یا چند قدرت هژمونیک جدید اداره نظم جهانی را بر عهده نخواهند گرفت؛ بلکه مجموعه‌های متفاوتی از بازیگران دولتی و غیردولتی در قالب نهادها و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و در توازن کلی با یکدیگر نظم جهانی را شکل خواهند داد. البته مسیر رسیدن به چنین نظامی هموار و بی‌دغدغه نیست و می‌تواند با دوره‌هایی از هرج و مرج همراه باشد. از دیدگاه آچاریا، برای مدیریت آشفستگی و بی‌ثباتی ناشی از افول هژمونی آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های مشکلات جهانی در سیستم مولتی پلکس، ایجاد نظامات «حاکمیت منطقه‌ای» در «جهان‌های منطقه‌ای» ضروری است.

۶- علی عبدالله‌خانی (۱۳۹۸) در کتاب «افول یا اضمحلال امپراتوری آمریکا و تحول در هندسه قدرت جهانی» با تکیه بر تک‌قطبی بودن توزیع قدرت جهانی در عصر حاضر نتایج سقوط نظام سلطه‌گر آمریکا را بررسی می‌کند. در این کتاب آمده است که وقتی از افول یا اضمحلال امپراتوری آمریکا صحبت می‌کنیم، مسئله ما تبیین افول یا اضمحلال ساختار فعلی توزیع قدرت و از آن مهم‌تر تبیین افول یا

اضمحلال ماهیت نظم کنونی یعنی نظم «سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» و روش زندگی «مادی - الحادی» است. بدیهی است که افول یا اضمحلال ساختار یا تغییر نظام تک‌قطبی، با وجود آنکه هندسه توزیع قدرت جهانی را به شدت دگرگون می‌کند می‌تواند مانند گذشته تأثیرات اندکی بر ارکان ماهوی این نظام داشته باشد؛ بنابراین مسئله اصلی اضمحلال امپراتوری آمریکا به مثابه ساختار توزیع قدرت و عناصر ماهوی آن و هدف اصلی ارزیابی عناصر ساختاری و ماهوی افول یا اضمحلال احتمالی است که بر هندسه قدرت جهانی (عناصر ساختاری و ماهوی آن) تأثیر عمیقی بر جای خواهد گذاشت.

۷- «آلفرد مک‌کوی»^۱ (۱۴۰۰) در کتاب «در سایه قرن آمریکایی؛ ظهور و افول قدرت جهانی آمریکا» (با ترجمه روح‌الله عبدالملکی) مسیری را که آمریکا برای هژمونی و ابرقدرت شدنش طی کرده و روش‌های این دولت را در این راه شرح داده است. مک‌کوی چگونگی ادامه تسلط آمریکا بر جهان را بررسی و راه‌حل‌های ایالات متحده برای ادامه این راه را توضیح داده است. او چین را مهم‌ترین مانع مسیر توسعه آمریکایی جهان در هزاره جدید می‌داند و طرح‌هایی را درشت‌نمایی کرده است که احتمال می‌دهد به وضعیت فعلی و سلطه آمریکا در جهان پایان دهند.

۸- فرید زکریا (۲۰۱۹) در مقاله «خودویرانی قدرت آمریکا»^۲ (نشریه فارن افرز) به بررسی افول هژمونی این کشور پرداخته و کوشیده است این مسئله را تبیین و تحلیل نماید که در دو سال گذشته، هژمونی آمریکا جان باخت! عصر تسلط ایالات متحده دوران کوتاهی بود که حدود سه دهه در دو وهله مشخص شد که هر دو وهله ابتدا و انتهایش از جنس فروپاشی بود. این دوران در میانه سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ آغاز شد و پایان یا در واقع آغاز پایان آن با فروپاشی عراق در سال ۲۰۰۳ و تحولات پس از آن بود. در این مقاله این پرسشی بررسی شده است که «آیا پایان وضعیت فوق‌العاده ایالات متحده به دلایل خارجی بوده است یا واشنگتن با عادات و رفتارهای بد مرگ خود را تسریع کرد؟».

1. Alfred McCoy

2. The Self-Destruction of American Power

۳. نشانه‌های افول هژمونی آمریکا

۳-۱. اقتصاد آمریکا

۳-۱-۱. کاهش توانمندی صنعتی و قدرت رقابت تولیدی

کاهش توانمندی صنعتی و قدرت رقابت تولیدی یکی از مهم‌ترین مشکلات دهه‌های اخیر ایالات متحده است. با توجه به گستردگی و قدرت اقتصادی این کشور، کاهش توانمندی تولیدی می‌تواند موقعیت برجسته و برتر آن را در این بخش با چالش اساسی روبه‌رو کند. برای مثال، در زمینه صنعت حمل‌ونقل غیرنظامی، میزان رشد صنایع تولیدی ایرباس و بوئینگ در ۱۰ سال گذشته از ۴/۱ درصد به ۱/۱ درصد در سال کاهش یافته است. همچنین در زمینه صنعت خودروسازی، محصولات ژاپن، اروپا و کره جنوبی گوی سبقت را از محصولات آمریکایی برده‌اند (آدمی و قریشی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۷). بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، بیش از دوسوم تولیدات ایالات متحده با توجه به تورم تعدیل‌شده تولید کاهش یافت (Atkinson, 2012). در حالی که از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ بهره‌وری چندعاملی در تولید به‌طور متوسط ۲ درصد در سال افزایش یافته، بهره‌وری به‌طور متوسط ۰,۳ درصد در سال از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ کاهش پیدا کرده است که به معنی کاهش مقیاس‌های اقتصاد در حوزه‌هایی از جمله نیروی کار، مواد و خدمات خریداری‌شده، تجهیزات سرمایه‌ای و انرژی است (Bureau of Labor Statistics, July 2018). افزون بر این، تنها بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، ایالات متحده بیش از ۶۶۰۰۰ تأسیسات تولیدی را از دست داد (Long, 2016).

۳-۱-۲. کاهش صادرات، کسری موازنه تجاری و بدهکاری

تا ۲۰ اکتبر ۲۰۲۱، بدهی ملی ایالات متحده ۲۸,۸ تریلیون دلار بوده که همچنان در حال افزایش است (U.S. National Debt Clock 20, 2021). افزون بر این، بر اساس گزارش دفتر تحلیل‌های اقتصادی آمریکا (BEA)، کسری تجاری ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ برابر ۶۷۶,۷ میلیارد دلار بوده است. ایالات متحده ۲,۸ تریلیون دلار

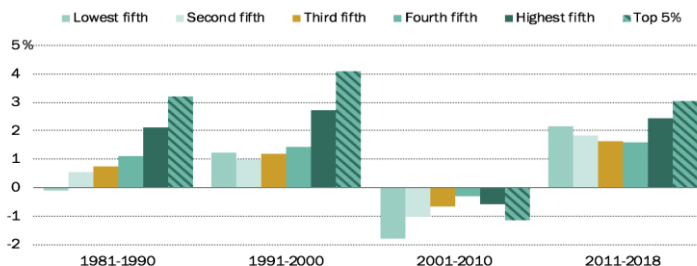
کالا و خدمات وارد کرده که نسبت به سال ۲۰۱۹ به میزان ۲۹۴ میلیارد دلار کاهش یافته است. صادرات آمریکا، ۲,۱ تریلیون دلار بوده که ۳۹۴ میلیارد دلار کمتر از سال ۲۰۱۹ است. کسری تجاری ۲۰۲۰ بسیار بیشتر از سال ۲۰۱۹ بود؛ این کسری در پایان سال ۲۰۱۹ مبلغ ۵۷۶,۳ میلیارد دلار، در مقابل ۶۷۶,۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ بود. همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ هم تأثیر زیادی بر واردات و صادرات سال ۲۰۲۰ داشت (Bureau of Economic Analysis, 2021). محصولات مصرفی عامل اصلی کسری تجاری هستند. در سال ۲۰۲۰، ایالات متحده بیش از ۲,۳ تریلیون دلار کالاهای مصرفی وارد و بیش از ۱,۴ تریلیون دلار صادر کرد. این کسری ۹۰۴,۹ میلیارد دلاری کالا ایجاد نموده و بالاترین کسری کالای ثبت شده است (Census Bureau, 2021).

۳-۱-۳. توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت

در دهه‌های اخیر خانواده‌هایی در ایالات متحده نسبت به سایر خانواده‌ها از ثروت بیشتری برخوردار بوده‌اند، روندی که تمرکز فزاینده منابع مالی را در طبقات بالای جامعه تقویت می‌کند. در دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، شیب درآمد به سمت بالا بسیار شدید بود. در آن دوره، ثروت خالص ۵ درصد از خانواده‌های آمریکایی از ۲,۵ میلیون دلار به ۴,۶ میلیون دلار رسید که ۸۸ درصد افزایش داشت (Juliana, Ruth & Kochar, 2020. P4).

Since 1981, the incomes of the top 5% of earners have increased faster than the incomes of other families

Average annual change in mean family income, by income quintile and for the top 5%



Note: Estimates of change from 2011-2018 are affected by revisions to the Current Population Survey in 2014. See Methodology for details. Source: U.S. Census Bureau, Historical Income Tables, Table F-3.

Most Americans Say There Is Too Much Economic Inequality in the U.S., but Fewer Than Half Call It a Top Priority

PEW RESEARCH CENTER

شکاف درآمدی سیاه‌وسفید در ایالات متحده همواره ادامه داشته است. تفاوت میانگین درآمد خانوارها بین سفیدپوستان و سیاهان آمریکایی از حدود ۲۳۸۰۰ دلار در سال ۱۹۷۰ به ۳۳۰،۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۸ (با دلار ۲۰۱۸) افزایش یافته است (Schaeffer, 2020).

۳-۱-۴. کووید ۱۹ و تبعات اقتصادی آن

پیش‌بینی تأثیر بلندمدت این ویروس همه‌گیر بر اقتصاد آمریکا هنوز معلوم نیست؛ اما پیامدهای اولیه آن نگران‌کننده است. بیش از ۴۸ میلیون آمریکایی طی ۱۵ هفته مطالبات جدیدی را درباره مقرری بیکاری مطرح کرده‌اند و بیش از ۱۰۰ هزار از مشاغل به‌طور کامل تعطیل شده‌اند و ناآرامی‌های داخلی بسیاری از شهرهای بزرگ [ایالات متحده] را به مناطق جنگی تبدیل کرده است (Snyder, 2020, p1). در همین راستا روزنامه نیویورک‌تایمز گزارش داده است که یک‌میلیون شغل در نیویورک از دست رفته است و نرخ بیکاری برای این شهر «نزدیک به ۲۰ درصد در حال افزایش است». این شهر به دنبال بازگرداندن برخی از کارگران به پشت میز یا پشت صندوق‌های پول است و اجازه داده است که برخی خدمات مانند تفریحات در فضای باز از سر گرفته شود. با وجود این، نرخ بیکاری شهر نزدیک به ۲۰ درصد در حال افزایش است، رقمی که از زمان رکود بزرگ دیده نمی‌شود (McGeehan, 2020, p 2). تولید ناخالص داخلی ایالات متحده عمیق‌ترین افت تاریخ مدرن را دیده و تقاضاهای جدید برای دریافت بیمه بیکاری «۱۸۵۹ درصد» افزایش یافته است (Lendman, 2020, p 2).

پیش‌بینی می‌شود نرخ دو رقمی اقتصاد آمریکا که در سه‌ماهه دوم و سوم سال ۲۰۲۰ شاهد نرخ بیکاری حدود ۱۵ درصد بوده، در سال ۲۰۲۱ نیز ادامه داشته باشد. اقتصاد آمریکا به علت این همه‌گیری حداقل در حوزه اشتغال با تحولات شدیدی مواجه خواهد شد که بر آینده قدرت ملی این کشور تأثیر خواهد گذاشت: نخست اینکه، احتمالاً روند بدون محدودیت چند دهه اخیر جهانی شدن (که عمدتاً بر رفتار بیشینه‌سازی سود شرکت‌های خصوصی استوار بوده است) جای خود را به نسخه‌ای از به‌هم‌پیوستگی محدود خواهد داد که در آن، دولت‌ها

برای مصونیت از آسیب‌پذیری‌های آینده به دنبال حفاظت از جوانب حساس زنجیره تولید در داخل مرزهای خود خواهند بود. دوم، در نبود حمله‌ای نظامی به آمریکا، اختلافات در مورد اختصاص منابع عمومی به کالاهای دفاعی یا غیر دفاعی بیشتر خواهد شد. تجربه بحران مالی جهانی نشان می‌دهد که بودجه دفاعی آمریکا احتمالاً با کاهش بیشتری مواجه خواهد شد. با این حال، فشار آتی بر بودجه دفاعی تنها بخشی از مشکل بزرگ فراروی آمریکا در تقویت پایه‌های اقتصاد برتر خویش است؛ به عبارت دیگر، حفظ برتری آمریکا در چند دهه آتی نسبت به گذشته دشوارتر خواهد بود (Tellis, 2020, p2).

۳-۲. افول سیاسی آمریکا

۳-۲-۱. افول مشروعیت مدل سیاسی و حکومتی لیبرال دموکراسی

علی‌رغم تئوری‌های لیبرالیستی، حکومت‌های دموکراتیک در بیشتر مواقع برای حل بحران‌های موجود، یکدیگر را به کاربرد نیروی نظامی تهدید کرده‌اند. بر همین مبنا آمریکا در عرصه سیاست جهان تاکنون برای کسب منافع امنیت ملی و افزایش قدرت خود این‌گونه عمل می‌کند و دلیلی دال بر رفتار بین‌المللی آن به‌عنوان یک حکومت دموکراتیک وجود ندارد. همین مسئله سبب کاهش قدرت این کشور در میان سایر کشورهای جهان شده است. رفتارهایی مانند خروج آمریکا از افغانستان در ۲۰۲۱ ضربه‌های مهلکی بر قدرت نرم آمریکا وارد کرده است که چالش سختی برای داعیه رهبری آمریکا در سطح سیاست جهانی قلمداد می‌شود (Simbar, 2011, p 3).

افزون بر این مهم‌ترین بحث در هژمونی، عنصر رضایت و پذیرش ارزش‌های سیاسی است. ایالات متحده توانسته بود این رضایت را در نتیجه جهانی شدن به دست بیاورد؛ اما اکنون بسیاری از کشورها این ارزش‌ها را رد می‌کنند و ارزش‌های آمریکایی با چالش مواجه شده است. بر همین اساس، افول آمریکا از اوایل قرن ۲۱ شروع شد که آمریکا به عراق و افغانستان حمله کرد. آمریکایی‌ها فکر می‌کردند می‌توانند بدون اینکه پیش‌زمینه فرهنگی، تاریخی، عقاید، مذهب و... این کشورها را در نظر بگیرند، دموکراسی، ایده‌ها و نظم لیبرال مدنظر خود را در تمام

کشورهای جهان وارد کنند.

۳-۲-۲. روی کار آمدن ترامپ و افول سیاسی آمریکا

«مایکل مک فاول»، سفیر سابق ایالات متحده در روسیه (۲۰۱۲-۲۰۱۴)، معتقد است ایالات متحده با کاهش دموکراتیک روبه‌رو شده است. این مسئله ناشی از قطبی شدن نخبگان و آسیب‌هایی است که دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا به اعتماد در انتخابات و پیوند با متحدان دموکراتیک وارد کرده است. مک فاول می‌گوید کاهش دموکراسی امنیت ملی را تضعیف و سیاست خارجی را به شدت محدود می‌کند (McFaul, 2020). رهبر معظم انقلاب در این باره تأکید کرده‌اند: «افول سیاسی آمریکا اگر یک دلیل - که حالا می‌گویم - بیشتر نداشته باشد، کافی است و آن دلیل عبارت است از انتخاب فردی با مختصات آقای دونالد ترامپ در آمریکا. خود این انتخاب، نشانه افول سیاسی آمریکا است؛ سرنوشت ۳۰۰ و اندی میلیون جمعیت دست یک آدمی با این مختصات، نشانه افول سیاسی آمریکا است. کسی که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او، تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست، وقتی رئیس یک کشور می‌شود، نشان‌دهنده افول آن کشور است؛ افول سیاسی، افول اخلاقی. از جنایت‌ها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی این‌ها به‌طور مرتب حمایت و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه چند دولت در یمن و کشتار مردم بی‌گناه یمن این‌ها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت می‌کنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟!» (کیهان، ۱۹ تیر ۱۳۹۸)

۳-۲-۴. شیوع کووید ۱۹ و ناکارآمدی سیاسی دولت آمریکا

آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، برای مقابله با بلایای بزرگ سازمان‌دهی مطلوبی نداشت؛ چراکه در واکنش به این بحران‌ها، مقامات ایالتی و محلی در اولویت بودند. علاوه بر این، ناکامی رهبری ریاست جمهوری از یک‌طرف و نداشتن عقلانیت سیستمی در ارزیابی همه‌گیری و فرایند تصمیم‌گیری مربوط به آن در بخش اجرایی به‌واسطه نبود مقامات کاردان در پست‌های متعدد از

طرف دیگر مایه تشدید این مشکلات شده بود. آسیب وارد شده بر اقتصاد آمریکا و تلفات انسانی، حفظ هژمونی آمریکا را دشوار ساخته است، درحالی‌که عمده ارزیابی‌ها نشان می‌دهد کشورهای نظیر چین سریع‌تر از آمریکا خود را احیا خواهند کرد (Tellis, 2020, P 5). اقدامات گذشته دولت ترامپ توانایی ایالات متحده در پاسخ به این بیماری را تضعیف کرد و اقدامات کنونی این کشور همچنان برای تشدید بحران‌های دوگانه عمومی بهداشت و اقتصاد ادامه دارد. گرچه کنگره توانست یکسری اقدامات محرک را انجام دهد که فشار اقتصادی خانواده‌ها را تا حدودی برطرف کند، اما این اقدام تسکین‌دهنده، به دلیل مخالفت دولت ترامپ صورت نگرفت (Zamarripa, 2020, p2).

بسیاری از کارشناسان علمی و مقامات سابق دولتی از نقش دونالد ترامپ و دولتش در پاسخ به همه‌گیری کرونا، مانند مداخله در آژانس‌های علمی و دروغ‌پردازی در طول همه‌گیری این بیماری انتقاد کرده‌اند (Paz, November 2, 2020...). آسیب ترامپ به علم چندین دهه طول می‌کشد تا بهبود یابد و برخی از این آسیب‌ها می‌تواند دائمی باشد. در اکتبر ۲۰۲۰، یافته‌های مرکز تحقیقاتی «پیو» نشان داد که برخورد ترامپ با همه‌گیری ویروس کرونا باعث از بین رفتن شهرت جهانی آمریکا شده است (Pew Research, 2021).

۳-۳. تضعیف قدرت نظامی آمریکا

آلفرد مک‌کوی، استاد و مورخ آمریکایی معتقد است مرگ ایالات متحده آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی می‌تواند به‌مراتب سریع‌تر از حد تصور باشد. این مرگ تا سال ۲۰۲۵ کامل خواهد شد. انتقال ثروت و قدرت اقتصادی جهان از غرب به شرق در حال جریان است. در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۵ درصد مردم آمریکا معتقد بودند کشور در شرایط سقوط قرار دارد. مک‌کوی استدلال می‌کند که بزرگ‌ترین عامل سقوط آمریکا، نظامی‌گری است (McCoy, 2010, p 4). در شرایطی که آمریکا درگیر مقابله با بیشترین افراد مبتلا به بیماری کرونا در دنیا است، به‌واسطه دغدغه‌های بهداشتی تقریباً در همه جای دنیا در خصوص عملیات‌ها و تحرکات نظامی‌اش محدودیت‌هایی وضع شده است.

ادامه مشارکت در جنگ، هزینه زیادی را برای ایالات متحده به همراه داشته و بر بدهی ملی آن افزوده است. از سال ۲۰۰۱ تاکنون حدود ۵,۹ تریلیون دلار برای این مشارکت‌ها هزینه شده است (Waston Institute, 2021). علاوه بر این، ایالات متحده بیش از ۱۰ برابر از میزان تعیین شده در بخش‌های دفاعی هزینه می‌کند؛ درحالی‌که هیچ‌گونه گزارش رسمی از هزینه جنگ در افغانستان در دست نیست، محققان دانشگاه براون هزینه این درگیری را ۸ تریلیون دلار در ۲۰ سال تخمین زده‌اند (Brown university, 2021).

دولت آمریکا در حال حاضر بیش از دو تریلیون دلار برای کمک به اقتصاد کشورش هزینه کرده است و شاید احتیاج به تریلیون‌ها دلار دیگر نیز داشته باشد. این پول باید از جایی بیاید؛ بخشی از آن از بودجه دفاعی مجدداً واگذار می‌شود و افزایش بدهی فشارهای زیادی را برای هزینه‌های نظامی آینده وارد خواهد کرد. درحالی‌که فرماندهان ارتش اکنون چالش‌های فشرده‌تری برای فکر کردن دارند، باید بدانند که آن‌ها با یک دوره طولانی ریاضت اقتصادی، به تعویق انداختن یا لغو تمایلات و کوچک شدن اندازه نیروها روبه‌رو خواهند شد (Metz, 2020, p 4).

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۴-۱. ظهور جهان‌های منطقه‌ای

درباره اینکه آینده ساختار نظام بین‌الملل به چه شکل است و چه تأثیری بر نظام‌های منطقه‌ای دارد، «باری بوزان» استدلال می‌کند که سناریوی پایانی برای نظام بین‌الملل و در حال گذار، تقریباً ورود به نظم جهانی بدون ابرقدرت و فقط با چند قدرت بزرگ است. این بدان معنی است که در اثر ضعف ایالات متحده و عدم امکان فائق آمدن بر موانع بازدارنده در مسیر کاندیداهای طالب قدرت (چین و اتحادیه اروپا)، هیچ دولتی دارای چنان ظرفیتی نیست که بتواند در کل نظام بین‌الملل یا در بسیاری از مناطق، قدرت‌نمایی کند. پویایی طبیعی این تحولات منجر می‌شود به اینکه نظم بین‌الملل بیشتر منطقه‌ای گردد، زیرا در نبود ابرقدرت، نفوذ قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای در مناطق افزایش می‌یابد (Buzan, 2011, pp 16-17).

برخلاف ابرقدرت‌ها، قدرت‌های منطقه‌ای فاقد ابزارهای لازم برای قدرت‌نمایی در مناطقی غیر از مناطق خودشان (و شاید مناطق مجاور فاقد قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای) هستند. آن‌ها در ابتدا از ظرفیت‌های مادی اولیه‌شان برای ساخت نظم منطقه‌ای قوی یا حوزه نفوذ اطراف آن‌ها استفاده خواهند کرد (Garzon Pereira, 2015, p 30)؛ بنابراین در آینده میزان آزادی عمل بازیگران فرامنطقه‌ای در سطح نظام‌های منطقه‌ای کاهش می‌یابد. به هر میزان سایه ساختار قدرت جهانی بر مناطق کم می‌شود، به همان میزان مناطقی از سطح جهان که مستقل‌تر هستند کارکرد متفاوت‌تری می‌یابند. در این وضعیت قدرت‌های عمده منطقه‌ای به واسطه توانمندی‌ها و منافع خود، نظام منطقه‌ای و مهم‌ترین مؤلفه آن یعنی نظم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی از کاهش اثر نظام بین‌الملل بر نظام‌های منطقه‌ای فراتر رفته و معتقدند که نظام‌های منطقه‌ای می‌تواند کلیت نظام بین‌الملل را متأثر سازد (kapple, 2015, pp 5-6). همچنین پذیرفته شده است که فهم امنیت بین‌الملل بدون فهم نظم در سطح مناطق امکان‌پذیر نیست (Stewart-ingersoll & frazier, 2015, p 5).

چالش‌های کووید-۱۹ برای نظم جهانی

سؤال راهبردی این است که کرونا چه تأثیری می‌تواند بر فرآیند نظم و نظام بین‌الملل در حال شدن داشته باشد؟ در جهان پسا کرونا جهانی شدن لیبرال با چالش‌هایی مواجه خواهد شد و ما شاهد تقویت دولت ملی و مرکانتیلیسم اقتصادی خواهیم بود که از نشانه‌های آن تضعیف جهانی شدن لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل است و خودمختاری و استقلال ملی دولت‌ها بعد از کرونا تقویت خواهد شد. تأثیر دیگر کرونا ناشی از رقابتی است که امروز میان نظام‌های سیاسی مختلف و فراتر از آن میان ایدئولوژی‌های سیاسی معارض بر سر چگونگی مدیریت و پیروز بیرون آمدن از این بحران در گرفته است. این‌که کدام مدل حکومتی و الگوی حکمرانی بهتر می‌تواند از پس تدبیر و مدیریت کرونا برآید، موضوع بسیار مهمی بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام بین‌الملل پسا کرونا دارد. تأثیر دیگر کرونا در سطح بین‌المللی، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در روابط

بین‌الملل است. به‌گونه‌ای که الگوهای تعامل بین بازیگران بین‌المللی دچار دگرش و دگرگونی خواهد شد. از یک‌سو، تعامل مثبت مبنی بر همکاری بین بعضی از قدرت‌های شرقی مانند ایران، چین و روسیه افزایش خواهد یافت و از سوی دیگر، رقابت بین چین و هند تشدید خواهد شد. مهم‌تر از آن، الگوی رقابت بین آمریکا و چین ستیزشی‌تر خواهد شد. الگوی همکاری بین آمریکا و اروپا نیز تضعیف شده الگوی رقابت بین این دو تقویت خواهد شد. از این‌رو امروز می‌بینیم همکاری‌ها و هماهنگی‌ها در خارج از جهان غرب بیشتر است اما در جهان غرب شاهد تعمیق شکاف میان دو سوی آتلانتیک (اروپا و آمریکا) هستیم. به‌طوری‌که اروپایی‌ها به‌شدت از مواضع آمریکا به‌ویژه در دوره ترامپ ناراضی هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۱۵ اردیبهشت).

۲-۴. چالش‌های پیش روی ایران جهت دستیابی به موقعیت جهان منطقه‌ای

از منظر واقع‌گرایی، این ماهیت نظام بین‌الملل است که الگوهای رفتاری خاص را در چارچوب سیاست خارجی ترغیب می‌کند؛ اما در مورد ایران این رویکرد تجدیدنظرطلبانه به سیاست خارجی بود که تقریباً در تمامی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با فراز و نشیب‌هایی درصدد ایجاد چالش و تغییر در نظام بین‌الملل بوده است. در مقابل ساختار نظام بین‌الملل نیز از طریق نظم‌های حاکم بر آن با جدیت بسیار، موانع و چالش‌های فراوان در مقابل کشور قرار داده، به‌طوری‌که عملاً ایران را در راه رسیدن به مقاصد و آمال خود از جنبه تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه‌ای با دشواری روبه‌رو کرده است (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸۵، صص ۷۸-۸۹). این موانع را در دو بُعد موانع مادی و غیرمادی نظام بین‌الملل می‌توان بررسی کرد: نخست، روند مادی نظام بین‌الملل با محوریت توزیع قدرت در بین کارگزاران است که به‌صورت آرایش خاص آن‌ها یا قطبیت نظام تجلی می‌یابد و محدودیت‌زا است. از این‌رو بخشی از محدودیت‌های رفتاری ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای از چگونگی توزیع توانمندی‌ها در سطح بین‌الملل نشئت می‌گیرد. دوم، روندهای غیرمادی نظام بین‌الملل مانند اصول، قواعد و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌الملل که به چند صورت برای جمهوری

اسلامی ایران محدودیت رفتاری ایجاد می‌کند؛ نخست از طریق تعریف و تعیین نوعی خاص از هویت سیاسی، نظام‌های سیاسی مشروع و نامشروع را آفریده و از یکدیگر متمایز می‌سازد. دوم، از واحدهای تشکیل‌دهنده چون جمهوری اسلامی انتظار می‌رود در راهبرد خارجی خود از آنچه مشروعیت و مقبولیت بین‌المللی دارد در رفتار خود پیروی کند. سوم، رژیم‌های بین‌المللی نمایانگر مجموعه‌ای به هم مرتبط از اصول، قواعد و هنجارهای محدودیت‌آفرین هستند که بر اساس توزیع خاص قدرت یا اجماع هنجاری در سطح جهانی منطقه‌ای شکل می‌گیرند. چهارم، نقش تعیین‌کننده روندهای بین‌الذهانی که منابع مادی قدرت در بستر آن معنا می‌یابد، چنان‌که برداشت کشورها از توانایی و نیت جمهوری اسلامی (قدرت تهدیدکنندگی)، عامل تعیین‌کننده رفتار آن‌ها (موازنه‌سازی) در قبال آن است (خجسته‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

بر این اساس چالش‌های پیش روی ایران جهت دستیابی به موقعیت جهان منطقه‌ای را در می‌توان در دو بعد فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای ملاحظه کرد. در بعد فرامنطقه‌ای اقدامات ایالات متحده آمریکا از جمله مهار ایران، نزدیک ساختن کشورهای میانه‌روی عربی به اسرائیل، تحریم‌های اقتصادی و برنامه هسته‌ای قرار می‌گیرد؛ اما چالش‌های رقیبان منطقه‌ای ایران را می‌توان در چارچوب اقدامات رژیم صهیونیستی (در قالب طرح خاورمیانه جدید «شیمون پرز»، امضای قرارداد صلح اسلو با فلسطینی‌ها، یارگیری منطقه‌ای)، عربستان سعودی (همراهی با آمریکا در جهت مهار ایران، تلاش پنهان و آشکار برای هدایت جبهه ضد ایرانی، برنامه هسته‌ای)، ترکیه (اختلافات ایدئولوژیک، رقابت در آسیای مرکزی و قفقاز، همگرایی ترکیه و اسرائیل و...) ملاحظه کرد.

۴-۳. فرصت‌های کنشگری ایران در جهان منطقه‌ای پسا کرونا

۴-۳-۱. دور زدن تحریم‌ها

در شرایط پسا کرونا در سطح منطقه و جهان فرصت‌هایی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به وجود خواهد آمد که باید با دیپلماسی اقتصادی و سیاسی فعال در

راستای اهداف کشور از آن‌ها استفاده کرد. به‌طور مثال با توجه به تضعیف روند همگرایی در اروپا قبل از کرونا با برگزیت و همچنین پس از کرونا به علت نبود همکاری اولیه در مقابله با کرونا و زمزمه‌های واگرایی بین کشورهای اروپایی، تقویت تعامل با کشورهایی می‌تواند بسیار مؤثر باشد که به دلیل تفاوت راهبردی در برخی سیاست‌ها درباره غرب و استقلال نسبی‌شان از آمریکا به «اروپای دوم» معروف هستند (کشورهای مهمی همچون ایتالیا، لهستان، هلند، اتریش و... که اتفاقاً هم کشورهای توسعه‌یافته‌ای هستند و سطح بالایی از رفاه و رونق اقتصادی در آن‌ها وجود دارد و هم تجربه تاریخی نشان می‌دهد دنباله‌روی چشم و گوش بسته غرب نیستند). در صورت تداوم شرایط اقتصادی کرونا و تحقق شکل جدیدی از تعاملات بین‌المللی خارج از جهانی‌سازی مدنظر آمریکا، قاعداً شاهد بی‌اثر شدن تحریم‌های اقتصادی خواهیم بود، چراکه یکی از نکات مهم در شدت اثرگذاری تحریم‌ها الگوی اقتصاد جهانی موردنظر آمریکا و اروپا (تسلط آمریکا و اروپا بر اقتصاد دنیا با تمرکز بر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) بوده است؛ بنابراین در شرایط پس از کرونا که احتمال به هم ریختن معادلات اقتصاد جهانی و حرکت کشورها جهت مدیریت این بحران به سمت استقلال اقتصادی متصور است اثرگذاری تحریم‌ها جای تأمل بسیاری دارد (ایرنا، اردیبهشت ۱۳۹۹).

۴-۳-۲. جلوگیری از فرسایش ژئوپلیتیک در منطقه

منطقه خاورمیانه بیشتر در معرض فرسایش ژئوپلیتیک قرار گرفته است و در دوران پسا کرونا به دلیل همین فقدان همکاری و روحیه تعامل‌گرایی، وضعیت برخوردها جدی‌تر خواهد شد و چنانچه بازیگران این منطقه به فرمولی از همکاری برای حداقل دفع تهدیدات مشترک نرسند، قطعاً منطقه درگیر یک فرسایش ژئوپلیتیک خواهد شد؛ زیرا در این منطقه تهدیدات مشترکی مانند تروریسم، افراطی‌گرایی و قاچاق سازمان‌یافته انسان و مواد مخدر وجود دارد و در عین حال فهم مشترکی در این موارد وجود ندارد، طبیعی است که در این شرایط دچار فرسایش بیشتری خواهد شد. همان‌طور که باید به این موارد، پدیده‌هایی مانند کاهش قیمت نفت را افزود تا دریافت که روند تنش تشدید خواهد شد. از

این‌رو جمهوری اسلامی می‌تواند با به دست گرفتن ابتکار عمل فرمولی برای همکاری منطقه‌ای طراحی و به مرحله اجرا گذارد تا از این منظر هم مانع شکل‌گیری تنش‌های بیشتر شود و از سوی دیگر از مداخله و ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای جلوگیری کند.

۴-۳-۳. توسعه همکاری‌های گردشگری منطقه‌ای در ایام پسا کرونا

طبق پیش‌بینی‌ها و بررسی رفتارشناسی گردشگران، ارتباطات گردشگری در ایام پسا کرونا به‌صورت منطقه‌ای و با کشورهای همسایه انجام خواهد پذیرفت؛ از این‌رو با توجه به اینکه در دوران پسا کرونا کشورهای همسایه و منطقه‌ای اهمیت بیش از پیش پیدا خواهند کرد، بر تمرکز توسعه همکاری‌های گردشگری کشورهای اگو به‌صورت منطقه‌ای تأکید می‌شود (ایلنا، شهریور ۱۴۰۰).

۴-۳-۴. توسعه فرصت‌های برون‌سپاری در پسا کرونا

ایران علاوه بر بحران کرونا تحت تأثیر شرایط خاصی همچون تأثیر تحریم‌ها، رکود تورمی مزمن و از همه مهم‌تر سهم ناچیز در تجارت بین‌الملل است و به‌طور قطع آثار ناشی از بحران کرونا می‌تواند به‌صورت یک پرسش بزرگ مطرح شود که برای افزایش سهم جمهوری اسلامی در تجارت بین‌الملل در آینده چه استراتژی‌هایی وجود دارد. در شرایط کنونی شوک منفی بازار جهانی نفت و با توجه به اینکه به علت تحریم‌ها ایران به‌طور رسمی فقط روزانه بین ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار شبکه صادرات دارد، آسیبی که به حوزه نفت دو کشور روسیه و عربستان رسید، به ایران وارد نشد یا قطع ارتباط بازار سرمایه با بازارهای جهانی و ریزش سهام کشورهای مختلف که در نهایت بازارهای بین‌المللی تنها حدود ۲۰ درصد سهم خود را باز پس گرفتند. ایران دو مزیت نسبی داشتن نیروی انسانی و برخورداری از منابع طبیعی را دارد؛ از این‌رو در دوران پسا کرونا می‌توان برای برون‌سپاری و تجارت در بخش خدمات با وجود زمان‌بر بودن آن فرصت‌هایی را مشاهده کرد که با توجه به ظرفیت‌های آسمی بخش خدمات می‌توان از آن به‌عنوان بهترین فرصت برای کشور بهره برد.

۴-۳-۵. ظرفیت‌های سیاست‌های داخلی

سیاست خارجی تابعی از سیاست داخلی است. سیاست داخلی چگونگی رابطه مردم با حاکمیت از منظر توزیع قدرت و توزیع منافع اقتصادی را تنظیم می‌کند و نقش سیاست خارجی ایجاد امنیت از طریق تنظیم رابطه یک کشور با سایر کشورها است. «مالونی» سیاست‌های داخلی را یکی از دیگر عوامل اثرگذار بر استراتژی منطقه‌ای ایران معرفی می‌کند و وجود گروه‌های مختلف را موجب بروز برخی تناقض‌ها در سیاست خارجی ایران می‌داند، اما توضیح می‌دهد که روش رهبری امام خمینی (ره) برای کنترل این گروه‌ها موجب شده تا تهران در مجموع سیاست خارجی یکپارچه‌ای داشته باشد. وی می‌نویسد: «با گذر زمان، این رقابت‌های داخلی به ایجاد و تقویت نهادهایی برای اعمال قدرت منطقه‌ای کمک کرده‌اند که منسجم و از نظر منابع، تأمین هستند؛ از جمله این نهادها سپاه پاسداران، بازوی بین‌المللی آن یعنی نیروی قدس و سازمان بسیج هستند. در نتیجه این نوع سیاست خارجی، جمهوری اسلامی یک مزیت چشمگیر نسبت به رقبای منطقه‌ای خود به دست آورده است: «ظرفیت سازمانی و بوروکراتیک لازم برای ادامه یک درگیری طولانی و چندبعدی در یک کشور دیگر». مالونی همچنین مقاومت ایران در سوریه را «یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تأثیر سیاست‌های داخلی بر سیاست خارجی تهران می‌داند» (Maloney, 2017, p. 7). بر این اساس، جمهوری اسلامی می‌تواند از این فرصت و ظرفیت کنشگری برای تأمین منافع ملی و حفظ جایگاه قدرت منطقه‌ای خود استفاده نماید.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر این پرسش‌ها مطرح شد که نشانه‌های دقیق افول هژمونی آمریکا متأثر از شیوع ویروس کرونا کدام‌اند؟ نظام جهانی در پسا کرونا به چه وضعیتی دچار خواهد شد و گزینه بدیل و جایگزین هژمونی آمریکا در نظام جهانی پسا کرونا چیست؟ در پاسخ به پرسش از علائم افول هژمونی آمریکا به بررسی مواردی مانند تخریب اقتصاد، کاهش کارآمدی دولت و تضعیف قدرت نظامی آمریکا پرداخته شد.

بر اساس مطالعات موجود، در مجموع با حدود ۳۷,۶ میلیون آمریکایی که از ابتدای مارس ۲۰۲۰ بیمه بیکاری پرکرده‌اند و نرخ بیکاری رسمی که در آوریل ۲۰۲۰ به ۱۴,۷ درصد رسید- رقمی بی‌سابقه از زمان رکود- اقتصاد آمریکا در وضعیت فاجعه‌باری قرار گرفته است و عواقب وخیم آن برای سال‌های آینده پیش‌بینی می‌شود. این میزان از فشار اقتصادی و نابسامانی در بهداشت عمومی که هم‌اکنون آمریکایی‌ها تجربه می‌کنند نتیجه یک‌سری شکست‌های سیاسی است که درست قبل از شیوع کرونا و ویروس آغاز شده بود. اقدامات گذشته دولت ترامپ توانایی ایالات متحده را در مقابله با این بیماری کم کرد و اقدامات این کشور همچنان برای رفع بحران‌های دوگانه عمومی بهداشت و اقتصادی ادامه دارد.

ضعف واکنش اقتصادی دولت ترامپ در برابر بحران ویروس کرونا - درست مثل عدم پاسخ به بهداشت عمومی - در مقایسه با همتایان بین‌المللی ایالات متحده قابل مشاهده است. افزون بر این در آغاز آوریل ۲۰۲۰، حدود ۲۴ درصد از مشاغل کوچک به‌طور موقت تعطیل شده‌اند. در اواسط ماه مه همان سال، بیش از ۱۰۰ هزار از مشاغل کوچک به‌طور دائم تعطیل شده بودند که دو درصد از کل کشور را تشکیل می‌دادند. افزون بر این در شرایطی که آمریکا درگیر مقابله با بیشترین افراد مبتلا به بیماری کرونا در دنیا بوده، به‌واسطه دغدغه‌های بهداشتی، تقریباً در همه جای دنیا در خصوص عملیات‌ها و تحرکات نظامی‌اش محدودیت‌هایی وضع شده است. تعویض چرخشی نیروها و جابه‌جایی خانواده نظامی‌ها در پی صدور دستور «توقف تحرکات» در همه سطوح نظامی متوقف شده است. ناوهای هواپیمابر آمریکا که نماد قدرت و توان این کشور بر روی آب‌ها هستند، به حاشیه رفته‌اند و در حال حاضر، در بحبوحه همه‌گیری بیماری کووید ۱۹، گزینه‌های نمایش قدرت بسیار محدود شده‌اند.

در پاسخ به این پرسش که نظام جهانی در پسا کرونا به چه وضعیتی دچار خواهد شد و گزینه جایگزین هژمونی آمریکا در نظام جهانی پسا کرونا چیست، «جهان‌های منطقه‌ای» جایگزینی برای نظام جهانی در حال افول آمریکایی است. بر این اساس، تأکید اصلی مقاله حاضر بر نقش ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و

توانایی اعمال حاکمیت منطقه‌ای در شرایط افول هژمونی آمریکا در پسا کرونا است. فرصت‌های کنشگری ایران در جهان پسا کرونا مانند دور زدن تحریم‌ها، جلوگیری از فرسایش ژئوپلیتیک در منطقه، توسعه همکاری‌های گردشگری منطقه‌ای، توسعه فرصت‌های برون‌سپاری و ظرفیت‌های سیاست‌های داخلی، شرایط لازم برای اعمال حاکمیت منطقه‌ای و ایجاد یک جهان منطقه‌ای را دارد. در نتیجه افول هژمونی آمریکا زمینه‌ای فراهم کرده که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای به دنبال اعمال حاکمیت منطقه‌ای برآید. درست آن‌گونه که آچاریا می‌گوید: «جهان‌های منطقه‌ای، جایگزینی برای نظام جهانی در حال افول آمریکایی است».

منابع

- آهویی، مهدی. حسینی، دیاکو (۱۳۹۵). افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاست‌گذاری. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۶ (۲۰)، ۵۱-۶۶.
- ارگانسکی، ای. اف (۱۳۵۵). سیاست جهان، ترجمه حسین فرهودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- حسینی اسفیدواجانی، مهدی (۱۳۸۵)، سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، (۲۲۶ و ۲۲۵)، ۱۹-۱۷۸.
- خبرگزاری ایرنا، (۱۳۹۹). پسا کرونا فرصت تحریم‌شکنی، ۷ اردیبهشت، دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83777414>
- خبرگزاری ایلنا (۱۴۰۰). ضرورت توسعه همکاری‌های گردشگری منطقه‌ای در ایام پسا کرونا، ۸ شهریور، دسترسی در: <https://www.ilna.news/>
- خجسته نیا، حسین (۱۳۸۵). چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سطوح نظم جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، (۳)، ۱-۳۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ (۱۳۹۹)، نظام بین‌الملل پسا کرونا چگونه خواهد بود؟ ۱۵ اردیبهشت. خبرگزاری تسنیم. دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news
- مشرق نیوز، (۱۳۹۹)، رقبای آمریکا سلطه نظامی این کشور کرونازده را به چالش کشیده‌اند/ بحران کرونا محاسبات راهبردی ایران را تغییر نداده است، دسترسی در: <https://www.mashregnews.ir/news/1063765>
- کریمی، سحر (۱۳۹۴). جایگاه منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد، مجله علمی-تخصصی پژوهش ملل، ۱ (۲)، ۱-۱۴.
- کندی، پال، (۱۳۷۰) ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ، ترجمه م. قائد و دیگران، تهران: انقلاب اسلامی.
- روزنامه کیهان، (۱۳۹۸). افول موریانه‌وار آمریکا از دریچه آمار، ۱۹ تیر، دسترسی در: www.kayhan.ir/fa/news/164656

- Atkinson, Robert, et al. (2012)“Worse Than the Great Depression: What Experts are Missing about American Manufacturing Decline,” Information Technology & Innovation Foundation, March 2012. <http://www2.itif.org/2012-american-manufacturing-decline.pdf>.
- Brown University. "Costs of the 20-Year War on Terror: \$8 trillion and 900,000 Deaths." Accessed Oct. 20, 2021 .
- Bureau of Economic Analysis. "International Trade in Goods and Services, available at:www.bea.gov/data.
- Bureau of Labor Statistics, “Multifactor productivity slowdown in U.S. manufacturing.” Monthly Labor Review, July 2018.
- Buzan, Barry (2011), " The inaugural Kenneth N.Waltz annual lecture, a world without superpower:Decentered Globalizm". International relation, vol/25/No. 1, 3-25.
- Census Bureau. "Annual 2020 Press Highlights. Access: oct 12. www.census.gov.foreign-trade.
- Cordesman, Anthony H. (2020), "***China in the Gulf: A New Partnership with Iran?***", July 15, 2020, available at: <https://www.csis.org/analysis/china-gulf-new-partnership-iran>, 1-4.
- Forbes(2020) ***China And Iran Approach Massive \$400 Billion Deal***, available at: <https://www.forbes.com/sites/arielcohen/2020/07/17>
- Frazier, Derrick & Stewart-Ingersoll, Robert, (April, 2011), "***regional power and security: A framework for understanding order within regional security complexes***", European journal of international relation, vol 16, issue 4, 731- 753.
- Garzon Pereira, Jorge f, (2014), " hierarchial regional orders: an analytical framework. Journal of policy modeling", vol 36, 1-22.
- Goldman Sachs Global Economics, ***Commodities and Strategy Research***, (December 2009), available at: <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/archive/archive-pdfs/long-term-outlook.pdf> (retrieved 12 Sep. 2016), 1-27.
- Horowitz, Juliana Menasce; Ruth Gielnik and Rakesh Kochhar, (2020) ***Trends in income and wealth inequality***, <https://www.pewresearch.org/social-trends/2020/01/09/trends-in-income-and-wealth-inequality/>
- Lendman, Stephen (2020), "***Economic Collapse Far More Serious Than COVID-19 Contagion***", April,24. Available at: <https://www.global>

- research. ca/ economic-collapse-more-serious-covid-19-contagion/ 5710660, 1-4.
- Long, Heather (March 2016). "U.S. has lost 5 million manufacturing jobs since 2000," CNN Money, March 2016. <http://money.cnn.com/2016/03/29/news/economy/us-manufacturing-jobs/index.html>
- Maloney, Suzanne (2017), "*The Roots and Evolution of Iran's Regional Strategy*", Atlantic Council, September.1-12.
- McCoy, Alfred W. (2010) "*The Decline and Fall of the American Empire*", The Nation, DECEMBER 6, 1-16.
- McFaul, Michael (2020) Trump's 'America First' policies leave Biden with major China and Russia (and other) problems. <https://www.nbcnews.com/think/opinion/trump-s-america-first-policies-leave-biden-major-china-russia-ncna1251044>
- McGeehanm, Patrick (2020), "*A Million job lost:A Heart attack foe the N.Y.C Economy*". Available at: <https://www.nytimes.com/2020/07/07/nyregion/nyc-unemployment.html>, 1-7
- N. Haass, Richard (2008), **The Age of Nonpolarity:What Will Follow U.S.Dominance**,available:<https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2008-05-03/age-nonpolarity>
- O'Neill, Jim; Stupnytska, Anna, "*Global Economics Paper No.192: The Long-Term Outlook for the BRICs and N-11 Post Crisis*,"
- Paz, Christian (November 2, 2020). "All the President's Lies About the Coronavirus". The Atlantic. Retrieved February 5, 2021.
- Pew Research Center (September 15, 2020). "U.S. Image Plummet Internationally as Most Say Country Has Handled Coronavirus Badly". Pew Research Center's Global Attitudes Project. September 15, 2020. Retrieved February 5, 2021.
- Schaeffer, Katherine (2020), 6 facts about economic inequality in the U.S. <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/02/07/6-facts-about-economic-inequality-in-the-u-s/>
- Snyder, Michael (2020)*Tsunami of Job Losses": U.S. Economy Hasn't Experienced Anything Like This Since the 1930s Great Depression*,available:<https://www.globalresearch.ca/us-economy-has-not-experienced-anything-like-this-since-great-depression/5718346>
- Steven Metz, (2020), "*The US military will feel the impact of the coronavirus*

- for decades to come. April,5"*. Available at: <https://www.businessinsider.com/the-us-military-will-feel-impact-of-coronavirus-for-decades-2020-4>, 1-4.
- Tellis, Ashley J. (2020), "**Covid-19 Knocks on American Hegemony**", Carnegie Endowment for International Peace, 1-10
- U.S. National Debt Clock. "U.S. Debt Clock.org." Accessed Oct. 20, 2021.
- Wallerstein, Immanuel (1995) The modern World-System and Evolution. *Jurnal of world system research*. Volume 1, Number 19, <https://doi.org/10.5195/jwsr.1995.46>
- Watson Institute. "United States Budgetary Costs of the Post-9/11 Wars Through FY2019: \$5.9 Trillion Spent and Obligated," Page 2. Accessed Oct. 20, 2021.
- Zamarripa, Ryan (2020), "**5 Ways the Trump Administration's Policy Failures Compounded the Coronavirus-Induced Economic Crisis**", center for American progress, June, 3. Available at: <https://www.Americanprogress.org/issues/economy/news/2020/06/03/485806/5-ways-trump-administrations-policy-failures-compounded-coronavirus-induced-economic-crisis/>, 1-7.